

نگاهی به وصایای امیر المؤمنین علیه السلام (۲)

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری *

اشاره

در قسمت نخست مقاله پیش رو، برخی از وصایای امام علی علیه السلام را یادآور شدیم. در این بخش، با فرازهایی دیگر از وصیت‌نامه انسان‌ساز حضرت که همگان را به اموری همچون: پیوند با خویشاوندان، رعایت حقوق همسایگان و کمک به محرومان سفارش نموده، آشنا خواهیم شد.

د. پیوند با خویشاوندان

از مهم‌ترین مسائلی که اسلام به آن پرداخته، بحث روابط انسانی است. انسان از جهات مختلف با گروه‌هایی در ارتباط است و اسلام برای هر یک از این روابط، احکامی فقهی و اخلاقی جداگانه‌ای تشریح کرده است. از جمله این پیوندها، صله رحیم است که حضرت علی علیه السلام فرازهایی از وصیت خویش را به موضوع پیوند با خویشان و اهتمام به امر ایشان اختصاص داده و آن را مایه آسانی حساب و کتاب در روز جزا دانسته است: «انظروا ذوی ارحامکم فصلوهم یهون

* نویسنده و پژوهشگر.

اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْحِسَابُ؛^۱ به خویشان خود توجه داشته باشید و به آنان پیوند بنزید (صله رجم کنید)، تا خداوند حساب روز قیامت را بر شما آسان گرداند.»

بایستگی صله رجم

صله رجم، از فضایل مهم اخلاقی است که در آیات و روایات بدان تأکید شده و نقش بسزایی در تحکیم روابط و حلّ و فصل مشکلات خانواده‌ها دارد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «به حاضران و غایبان اتمم و کسانی که هنوز به دنیا نیامده‌اند تا روز قیامت، سفارش می‌کنم با خویشان خود پیوندند؛ هرچند میان ایشان به اندازه یک سال راه فاصله باشد؛ زیرا خدای متعال، صله رجم را بخشی از دین قرار داده است.»^۲

صفوان جمال می‌گوید: «شبانگاهی بود که بین امام صادق علیه السلام و عبدالله بن حسن^۳ مشاجره‌ای پیش آمد و صدایشان بلند شد؛ به طوری که مردم جمع شدند و دور آنها شلوغ شد. سپس، با حالت قهر از هم جدا شدند. من صبحگاهان برای کاری از خانه بیرون رفتم، دیدم امام صادق علیه السلام بر در خانه عبدالله بن حسن ایستاده و به کنیز او می‌گوید: ابومحمد (عبدالله بن حسن) را خیر کن. عبدالله از خانه بیرون آمد و گفت: ای ابا عبدالله! چه شده که به این زودی آمده‌ای؟ فرمود: من دیشب آیه‌ای از قرآن را خواندم که مضطربم کرده است. گفت: کدام آیه؟ فرمود: اینکه خدای تعالی می‌فرماید: «آنان که می‌پیوندند آنچه را خدا به پیوندش فرمان داده و از سختی حساب قیامت می‌ترسند.»^۴ عبدالله گفت: حق با توست؛ گویی من هرگز این آیه را در کتاب خدا نخوانده بودم. آن‌گاه همدیگر را در آغوش کشیدند و گریستند.»^۵

طرح یک سؤال

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که چنانچه یکی از خویشاوندان، پیوند خویش را بگسلد، آیا باید دوباره با او پیوند برقرار کرد؟

امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «جبرئیل به من خبر داد که بوی بهشت از

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۹۸.

۲. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۵۱.

۳. عبدالله بن حسن مثنی، نوه امام حسن مجتبی علیه السلام و پدر محمد، نفس زکیه است که علیه بنی امیه قیام کرد.

۴. رعد، آیه ۲۱: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ.»

۵. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۵۵.

فاصله‌ای [به اندازه] هزار سال به مشام می‌رسد؛ ولی کسی که عاق پدر و مادر شده یا آن‌که با خویشاوندان قطع رابطه کرده، آن را درک نمی‌کند.»^۱
از ابوذر نقل شده است: «پیامبر خدا ﷺ به من وصیت فرمود که با خویشاوندانم پیوند داشته باشم؛ هر چند از من روی گردانند.»^۲

از امام صادق (ع) روایت شده که مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: «ای رسول خدا! خویشاوندانی دارم که صله رحم را درباره آنان ادا کرده‌ام؛ ولی آنان مرا آزار می‌دهند. تصمیم گرفته‌ام که آنها را طرد کنم. رسول خدا ﷺ به او فرمود: «در این صورت، خداوند همه شما را طرد می‌کند.» گفت: «چگونه رفتار کنم؟» حضرت فرمود: «به کسی که از تو دریغ کرده، عطا کن و با کسی که از تو قطع رابطه نموده، پیوند داشته باش و از کسی که به تو ستم روا داشته، درگذر. پس، هنگامی که چنین کردی، خداوند پشتیبان تو خواهد بود.»^۳

امام علی (ع) نیز به این نکته تأکید نموده که خویشاوندان، تنها کسانی هستند که در وقت نیاز و گرفتاری، به کمک شما می‌شتابند: «ای مردم! انسان هرچه ثروتمند باشد، باز از خویشاوندان خود بی‌نیاز نیست که با زبان و دست از او دفاع کنند. خویشاوندان انسان، بزرگ‌ترین گروهی هستند که از او حمایت می‌کنند و اضطراب و ناراحتی‌اش را می‌زدایند و هنگام مصیبت‌ها، پرعاطفه‌ترین مردم برای او هستند.»^۴

آثار صله رحم

صله رحم، مواهب متعدد دنیوی، اعم از مادی و معنوی را برای انسان به ارمغان می‌آورد. در این مجال، برخی از این آثار را مرور می‌کنیم که عبارت‌اند از:

۱. افزایش طول عمر

بارزترین اثر دنیوی صله رحم، گشایش در روزی و طول عمر است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُوسَّعَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَيُنْسَأَ لَهُ فِي أَجَلِهِ فَلْيَصِلْ رَحْمَتَهُ؛ هر کس دوست دارد روزی‌اش

۱. همان، ص ۳۳۰.

۲. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۳۴۵.

۳. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۰۰ و ۱۰۱.

۴. صبحی صالح، نهج البلاغه، خطبه ۲۳؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۰۴.

۵. نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۳۸۸؛ طبرسی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۲۸۸.

توسعه یابد و مهلتش زیاد شود (مرگش به تأخیر افتد)، پس، باید با خویشان خود پیوندد.»
 حَنان بن سَدیر، از اصحاب امام صادق علیه السلام گفته است: «در خدمت امام صادق علیه السلام بودیم و مُیسِر
 هم حضور داشت. بحث از صله رَحِم شد. حضرت رو به میسر کرد و فرمود: تا به حال بارها
 اجلت رسیده؛ ولی به دلیل اینکه به خویشانت رسیدگی می کنی، خداوند اجلت را تأخیر انداخته
 است.»^۱

از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «گاهی کسی بیش از سه سال از عمرش باقی نیست، ولی
 صله رَحِم می کند و خداوند متعال سی سال بر عمرش می افزاید. گاهی نیز سی سال از عمر
 کسی باقی است؛ ولی پیوند خویشاوندی اش را می بُرد و خداوند متعال نیز باقیمانده عمرش را
 به سه سال تقلیل می دهد. آری، خداوند متعال هرچه بخواهد، می کند.»^۲

۲. ایجاد محبت

قلوب انسان‌ها، در تسخیر اراده الهی است و مردمان، بدون اذن و اراده او، نه به کسی مهر
 می ورزند و نه با کسی دشمنی می کنند. یکی از آثار صله رَحِم که به اذن حضرت پروردگار پدید
 می آید، محبوبیت میان اهل خویش است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «صِلَّة الرَّحِمِ مَحَبَّةٌ فِي
 الْأَهْلِ؛^۳ پیوند با خویشان، انسان را در میان خاندان محبوب می کند.»

۳. دفع بلا

از دیگر برکات و آثار دنیوی صله رَحِم، آن است که بلا را از محیط زندگی انسان دور می کند.
 رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «صِلَّة الْأَرْحَامِ... تَدْفَعُ الْبَلَاءَ؛^۴ پیوند با خویشان، ...
 مصیبت‌ها را از زندگی انسان دور می نماید.»

ه. رعایت حقوق همسایه

امام علی علیه السلام در بخشی دیگر از وصیت‌نامه ماندگار خود، همگان را به رعایت حقوق همسایه
 سفارش نموده و فرموده است: «وَاللَّهِ اللَّهُ فِي جِيرَانِكُمْ فَإِنَّهُمْ وَصِيَّةُ نَبِيِّكُمْ؛ ... از خدا بترسید،
 از خدا بترسید، درباه همسایگانتان؛ زیرا پیامبرتان به آنها سفارش کرد.»

۱. راوندی، الدعوات، ص ۱۲۵.

۲. حمیری، قرب الأسناد، ص ۳۵۵.

۳. همان، ص ۲۴۵.

۴. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۵۰.

اهمیت همسایه

از جمله سنت‌های اسلامی، برخورد شایسته با همسایگان است. در قرآن و سخنان اهل بیت عصمت علیهم‌السلام توجه بسیاری به این موضوع شده است؛ به گونه‌ای که شعار «الجارُ ثم الدار» را سرلوحه رفتار خود قرار داده و آن را به شیعیان خویش نیز توصیه می‌نموده‌اند. در قرآن می‌خوانیم: «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ»^۱ و خدا را پرستید و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید و به پدر و مادر، نیکی کنید. همچنین، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان، و همسایه نزدیک، و همسایه دور [نیکی نمایید].» در این آیه، خداوند نیک‌رفتاری با همسایه را، خواه فامیل باشد یا بیگانه، سفارش کرده و حسن عمل نسبت به همسایه را در ردیف نیکی به پدر و مادر قرار داده است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «وَمَا زَالَ جَبْرِئِيلُ يُوصِينِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورَّثُهُ»^۲ پیوسته جبرئیل درباره همسایه به من سفارش می‌کرد تا آنکه فکر کردم برای همسایه سهمی از ارث قرار می‌دهد.» همچنین، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمود: «در شب معراج دیدم که بر در چهارم بهشت نوشته شده: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ جَارَهُ فَوْقَ مَا يُكْرِمْ بِهِ غَيْرَهُ»^۳ هرکس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، همسایه‌اش را بیش از دیگران احترام کند.»

نکوهش همسایه‌آزاری

اسلام، تنها به سفارش درباره همسایه اکتفا نکرده است؛ بلکه همسایه‌آزاری را، به شدت نکوهش نموده است. همسایه‌آزاران، نه تنها گناهکار، بلکه خارج از زمره اهل ایمان شمرده شده‌اند. منظور از همسایه‌آزار، فقط کسی نیست که برای همسایه خود زحمت ایجاد نماید و در انجام وظایف همسایگی کوتاهی می‌ورزد؛ بلکه کسی که از حال همسایه خود نیز بی‌خبر است، به همسایه خویش ستم کرده و از نظر دینی، همسایه‌آزار شمرده می‌شود. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «وَمَنْ صَيَّعَ حَقَّ جَارِهِ فَلَيْسَ مِنَّا»^۴ کسی که حق همسایه خود را ضایع می‌کند، از ما نیست.» و یا می‌فرماید: «مَنْ آذَى جَارَهُ فَقَدْ آذَانِي»^۵ هرکس همسایه خویش را بیازارد، مرا آزرده است.»

۱. نساء، آیه ۳۴؛ ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۸۰.

۲. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۵۱۴؛ نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۳۸۷.

۳. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۲۶ - ۴۲۷.

۴. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۵۱۴.

۵. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۲۴.

اصول همسایه‌داری

بسیاری مایل‌اند که با همسایگان خود، رابطه خوبی داشته باشند؛ اما به علت عدم آشنایی با حقوق و اصول همسایه‌داری نمی‌توانند با آنها ارتباط شایسته‌ای برقرار کنند. همسایه‌داری، بر اساس سنت اسلامی بر چند اصل استوار است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. معاشرت با همسایه

یکی از اصول رابطه با همسایگان، این است که هر مسلمانی باید با همسایگان خود در تماس باشد، رفت‌وآمد کند و از دوری و بی‌اعتنایی به آنان پرهیزد. متأسفانه، امروزه این ارتباط کم‌رنگ شده و گاهی نیز مدت‌ها می‌گذرد، ولی همسایه‌ها با هم ارتباط برقرار نمی‌کنند و حتی همدیگر را نمی‌شناسند. یادمان نرود که یکی از بارزترین جلوه‌های حُسن همسایگی، احوالپرسی از همسایه است. امروزه، نزدیک‌تر شدن خانه‌ها به یکدیگر در مجتمع‌های آپارتمانی، نه تنها اثری بر نزدیک‌تر شدن دل‌ها به یکدیگر نداشته، بلکه ظاهراً باعث دورتر شدن افراد از هم شده است. برعکس گذشته، امروزه کسی که همسایه می‌شود، از انسان دورتر می‌گردد؛ «از دل برود هر آن‌که همسایه شود.»

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «از نشانه‌های حُسن همسایگی، جویاشدن از احوال همسایه است.»^۱ بنابراین، بد نیست هر چند یک بار، از همسایه خود احوالی پرسیم و چنانچه نیازی دارند و مشکلی برایشان پیش آمده، کمکشان کنیم و اگر کاری هم از دستمان برنمی‌آید، دست‌کم با ابراز همدلی، آنها را به آرامش فرابخوانیم.

۲. آگاهی از حال همسایه

از دیگر اصول همسایه‌داری که از سخنان اهل عصمت علیهم السلام به دست می‌آید، آگاهی است؛ به این معنا که مسلمان نباید از حال همسایه خود بی‌خبر باشد؛ چراکه بی‌خبر بودن از نیاز همسایه، از انسان رفع تکلیف نمی‌کند. از این رو، امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «مِنْ حُسْنِ الْجَوَارِ تَفَقُّدُ الْجَارِ»^۲ از شعبه‌های خوش همسایگی، خیرگرفتن از حال همسایه است.»

۳. خوش‌خویی و همدردی

نشانه دیگر خوش‌رفتاری نسبت به همسایه، این است که او را از اخلاق نیک خود بهره‌مند سازیم

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۳۱.

۲. ابن‌شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۸۵.

و در شرایط مختلف، با او همدلی کنیم؛ در برخوردها احترامش کنیم، در بیماری‌ها حالی از او بپرسیم، در مشکلات دلداری‌اش دهیم، در شادی‌هایش شادی کنیم و در غم و اندوه شریکش باشیم. همچنین، لغزش‌ها و اشتباهات او را نسبت به خودمان یا دیگران ندیده بگیریم و قلم بخشش بر آن بکشیم. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «حُزْمَةُ الْجَارِ عَلَى الْجَارِ كَحُزْمَةِ أُمِّهِ وَأَبِيهِ؛^۱ احترام همسایه نسبت به همسایه خود، مانند احترامی است که به پدر و مادر خویش می‌گذارد.» خوش خلقی و نیک‌رفتاری نسبت به همسایه، باعث دفع عذاب دوزخ و بهره‌مندی از مغفرت الهی خواهد شد. گویند که در قوم بنی اسرائیل، مردی مؤمن، همسایه‌ای کافر داشت. آن مرد کافر، نسبت به همسایه باایمان خود همواره خوش‌رفتاری می‌کرد؛ تا اینکه آن شخص کافر مُرد و خداوند برای او خانه‌ای از نوعی گل بنا کرد که نگهدارنده او از گرمای آتش بود و روزی او نیز از خارج محیط آتش به او می‌رسید. سپس، به او گفته شد: این عنایت، به سبب نیکی تو نسبت به همسایه مؤمنت می‌باشد.^۲

۴. توجه به نیازهای همسایه

نیاز، شاخصه زندگی دنیاست. کسی را نمی‌شناسیم که روزی به کمک دیگران محتاج نشود. یکی از حقوق همسایگی، این است که به نیازهای همسایه خود بی‌توجه نباشیم. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «... وَإِنْ أَفْتَقَرَّ عُدَّتْ عَلَيْهِ؛^۳ اگر [همسایه‌ات] محتاج شد، یاری‌اش کن.» غذا و لباس، از نیازهای اولیه هر انسان است و به همین دلیل، تأمین آنها بر سایر نیازهای آدمی اولویت دارد. طبق روایات، توجه به گرسنگی و برهنگی همسایه، از صفات ایمانی است؛ به طوری که اگر کسی با فرض توانایی داشتن، در تأمین آن قدمی برندارد، اهل ایمان نیست. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «مَا آمَنَ بِي مَنْ بَاتَ شَبْعَانَ وَجَاؤُهُ جَائِعٌ؛^۴ به من ایمان نیاورده، کسی که سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد.»

و یا فرموده: «مَا آمَنَ بِي مَنْ بَاتَ كَاسِيًا وَجَاؤُهُ عَارِيًا؛^۵ به من ایمان نیاورده است، کسی که خود

۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۱.
۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۳۰۸.
۳. شهید ثانی، مسکن الفؤاد، ص ۱۱۴.
۴. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۶۸.
۵. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۶۵.

پوشیده باشد و همسایه‌اش برهنه.»

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی به اصحابش می‌فرمود: به من و قیامت ایمان نیاورده، هرکس سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد. گفتیم: ای رسول خدا! پس، ما هلاک شده‌ایم! فرمود: از اضافه غذایتان، از اضافه خرمایتان، از اضافه روزی و لباستان؛ خشم پروردگار را با اینها خاموش کنید.»^۱

مدارا با همسایه بد

در صورتی که انسان به همسایه بد گرفتار شود و نتواند جای خود را عوض کند، توصیه پیشوایان دین این است که آزار همسایه را تحمل نماید. از این رو، اسلام به هیچ روی، در روابط همسایگی، مقابله به مثل را تجویز نمی‌کند. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «لَيْسَ حُسْنُ الْجَوَارِ كَفَ الْأَذَى وَلَكِنَّ حُسْنَ الْجَوَارِ صَبْرُكَ عَلَى الْأَذَى»^۲ خوش همسایگی، خودداری از آزار دادن نیست؛ بلکه صبر و تحمل آزار همسایه است.»

در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «خداوند متعال دوست دارد مردی را که همسایه بدی دارد و او را می‌آزارد؛ اما او آزارش را تحمل می‌کند و با خدا حساب می‌نماید تا خداوند با مرگ یا در زندگی همسایه، او را از مقابله با او بی‌نیاز کند.»^۳

و. کمک به محرومان

جامعه‌ای روی سعادت و نیک‌بختی را خواهد دید که فقرا و محرومانش، همواره مورد توجه باشند و نسبت به وضع آنها رسیدگی شود. حضرت علی علیه السلام در بخش دیگری از وصایای ارزشمند خود در این باره فرموده: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ فَشَارِكُوهُمْ فِي مَعَايِشِكُمْ»^۴ از خدا بترسید، از خدا بترسید، درباره فقرا و مستمندان. پس، آنها را شریک زندگی خود قرار دهید.»

فقیرانی که با رنج و سختی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و برای تأمین زندگی پناهی ندارند، شایسته

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۶۲.

۲. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۶۷.

۳. سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۲۸۶.

۴. ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۱۹۸.

توجه‌اند و هرکس در حدّ توان خویش موظف است به یاری آنان بشتابد و گامی در مسیر محرومیت‌زدایی بردارد. این موضوع، آن‌قدر اهمیت دارد که قرآن کریم در اموال مسلمان، برای فقیران حقّ خاصی قائل شده است: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ»^۱ در اموالشان برای سائل و محروم، حقی [معین] وجود دارد.»

امام علی (ع) در تعیین سیاست‌های کلان خویش حمایت از محرومان را در اولویت قرار می‌دهد؛ چنان‌که به مالک اشتر توصیه می‌کند که کمک به پا برهنگان جامعه را مدّ نظر قرار دهد: «اللّٰهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُحْتَاجِينَ وَذَوِي الْبُؤْسِ وَالزُّمْنَى فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمُعْتَرًا فَاحْفَظِ اللّٰهَ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ»^۲ از خدا بترسید، از خدا بترسید، در مورد طبقه پایین؛ آنها که راه چاره ندارند؛ یعنی مستمندان و نیازمندان و از کار افتادگان. در این طبقه، کسانی هستند که نیاز خود را ابراز می‌کنند و برخی نیز نیازشان را پنهان می‌سازند و باید به آنها بدون درخواست بخشش کرد. بنابراین، بر آنچه خداوند در مورد آنان به تو دستور داده، عمل کن.»

همچنین، حضرت با طرح ساده‌زیستی مدیران کلان نظام، فرهنگ حمایت از فقیران را نهادیه می‌کند. از این روست که علی (ع) فلسفه زهد و ساده‌زیستی حاکمان اسلامی را همدردی با فقیران می‌داند: «خداوند بر حاکمان عادل واجب کرده است که زندگانی خویش را در سطح مردم فقیر قرار دهند؛ تا رنج فقر، مستمندان را ناراحت نکند.»^۳

امام علی (ع) خطاب به عثمان بن حنیف، استاندار بصره، می‌فرماید: «اگر می‌خواستم، می‌توانستم از عسل پاک و از مغز گندم و بافته‌های ابریشم برای خود غذا و لباس فراهم آورم؛ اما هیئات که هوای نفس بر من چیره گردد و حرص و طمع مرا وادارد که طعام‌های لذیذ برگزینم؛ درحالی که در حجاز یا یمامه، کسی باشد که به قرص نانی نرسد و یا هرگز شکمی سیر نخورد یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده‌اند و جگرهای سوخته، وجود داشته باشد.»^۴

۱. ذاریات، آیه ۱۹.

۲. ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۱۴۱.

۳. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۲۳۷.

۴. صبحی صالح، نهج البلاغه، نامه ۴۵.

ابوالطفیل می‌گوید: «روزی او را مشاهده کردم که بچه‌های یتیم و بی‌سرپرست را جمع نموده و سفره مناسبی باز کرده و غسل و سایر نیازمندی‌ها را دور هم چیده و لقمه‌های لذیذ و غسل بر دهان آنان می‌گذارد. این منظره، آن‌چنان مؤثر و جالب بود که یکی از اصحابش گفت: «ای کاش! من هم یتیم بودم و این چنین، مورد الطاف علی قرار می‌گرفتم.»^۱

امام علی علیه السلام در واقع با این عمل خویش می‌خواهد بفرماید: خداوند مرا پیشوا قرار داده و من وظیفه خاصی دارم که در خوراک و پوشاک و در زندگی‌ام مانند ضعیف‌ترین افراد امت باشم؛ تا فقیر به این وسیله، آرامش خاطر پیدا کند و غنی هم که مرا در رأس جامعه می‌بیند، به سبب غنایش به طغیان و سرکشی دچار نشود.

گویند آیت‌الله وحید بهبهانی، دو پسر داشت؛ یکی به نام «آقا محمدعلی» و دیگری به نام «آقا محمداسماعیل». در شرح حال این مرد بزرگ نوشته‌اند: روزی عروسش (زن آقا محمداسماعیل) را دید که جامه‌های عالی و فاخر پوشیده است. به پسرش اعتراض کرد که چرا برای زنت این جور لباس می‌خری؟ پسرش جواب روشنی داد و گفت: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ.» مگر اینها حرام است؟ لباس فاخر و زیبا را چه کسی حرام کرده است؟

گفت: پسرکم! نمی‌گویم که اینها حرام است؛ البته حلال است. من روی حساب دیگری می‌گویم. من مرجع تقلید و پیشوای این مردم هستم. در میان این مردم، غنی، فقیر، متمکن و غیرمتمکن هم هست؛ افرادی که از این لباس‌های فاخر و فاخرتر بپوشند، هستند؛ ولی طبقات بسیاری هم هستند که نمی‌توانند این جور لباس‌ها را بپوشند؛ لباس کرباس می‌پوشند. ما که نمی‌توانیم این لباسی را که خودمان می‌پوشیم، برای مردم هم تهیه کنیم و نمی‌توانیم آنها را در این سطح زندگی بیاوریم؛ ولی یک کار از ما ساخته است و آن، همدردی کردن با آنهاست. آنان چشمشان به ماست؛ یک مرد فقیر وقتی زنش از او لباس فاخر مطالبه می‌کند، یک مایه تسکین خاطر دارد و می‌گوید: گیرم ما مثل ثروتمندها نبودیم، ما مثل خانه آقای وحید زندگی می‌کنیم؛ بین زن یا عروس وحید این جور می‌پوشد که تو می‌پوشی؟ وای به حال آن وقتی که ما هم زندگی مان را مثل طبقه مرفه و ثروتمند کنیم که این، یگانه مایه تسلی خاطر و کمک روحی فقرا هم از دست می‌رود. من به این منظور می‌گویم که ما باید زاهدانه زندگی کنیم تا زهد ما

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۲۹.

همدردی با فقرا باشد. روزی که دیگران توانستند لباس فاخر بپوشند، ما هم لباس فاخر می‌پوشیم.^۱

بنابراین، اگر مسئولان و متولیان جامعه اسلامی از طبقه محروم باشند یا به سبک آنان زندگی نمایند، می‌توانند درد فقر و استضعاف را به خوبی درک کنند و در عمل، با آنها ابراز همدردی نمایند. امام راحل (ع) در این باره فرموده: «رئیس جمهور و وکلای مجلس، از طبقه‌ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند؛ نه از سرمایه‌داران و زمین‌خواران و صدرنشینان مرفّه و غرق در لذات و شهوات که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پابرهنگان را نمی‌توانند بفهمند.»^۲

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۴۷۲.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲.